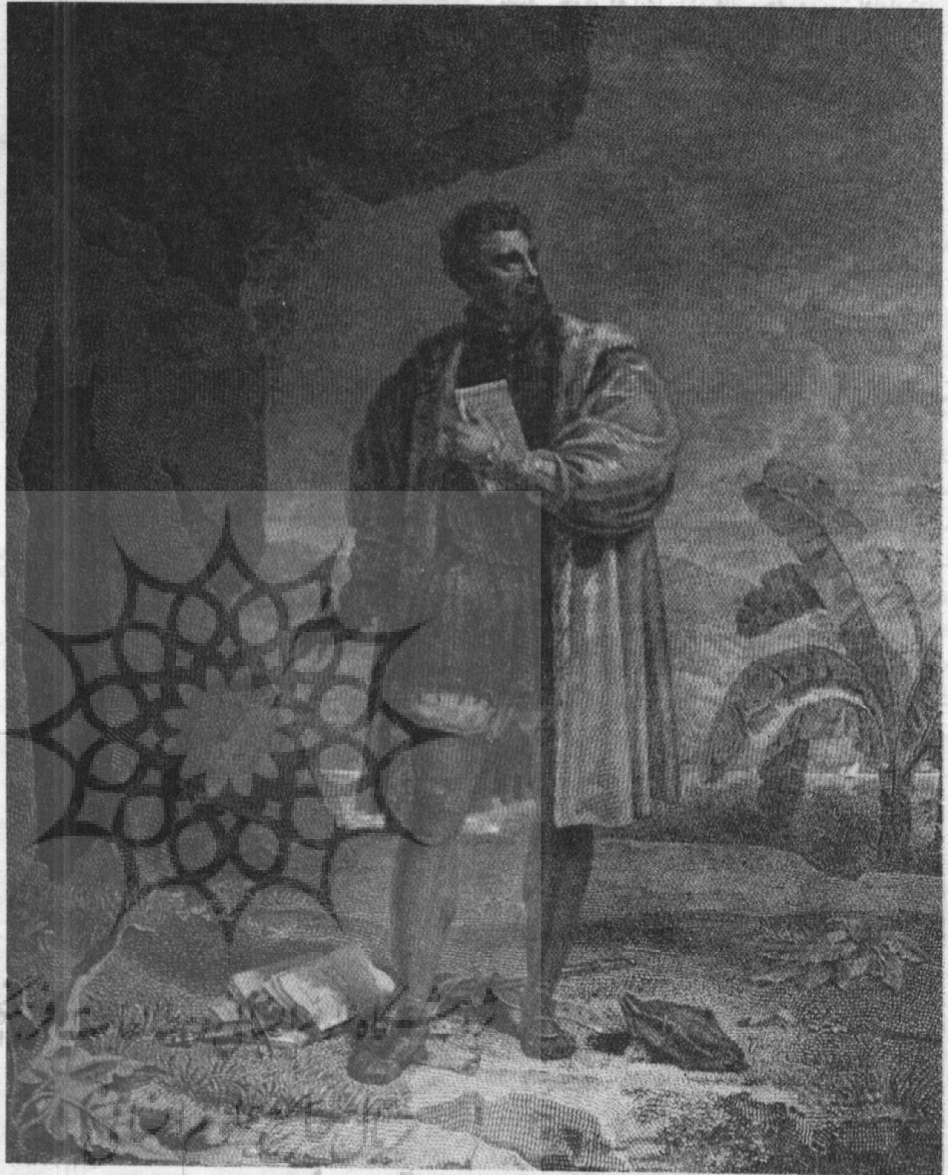


# لوزیاد: از حماسه‌های ملی تا اسطوره‌های جهانی

نوشته ادواردو لورنسو

سواحل آفریقا. در پس این پویش رؤیای سفر به دور قاره‌ای ناشناخته برای اروپائیان جهت رسیدن به هند قرار داشت. ویژگی شگفت‌آور این کار عظیم، پی‌گیری آن برای مدتی این چنین طولانی توسط پرتغال، آنهم با استفاده از نیروی افراد بیگانه (ژنوی‌ها، کاتالونیایی‌ها و حتی کاستیلی‌ها) بود و ملل دیگری که از پرتغال شروتمندتر، قوی‌تر و در دریانوردی هم با سابقه‌تر بودند، این کار را نکردند. علت اصلی، انجام بسیاری از این مسافرتها با نوعی سرمایه‌گذاری دولتی بود، علی‌رغم اینکه الهام‌بخش اولیه آن یک شاهزاده، یعنی هانری دریانورد بود و نه پادشاه؛ در حالیکه کشتی‌داران ژنوی، کاتالونیایی و ونیزی آن دوره برای مسافرت مجبور به سرمایه‌گذاری خصوصی بودند. ماجراجویی دریانوردی پرتغالی‌ها در عین جدید بودن از نظر وسایل و نتایج، نوعی ویژگی قرون وسطایی داشت، یعنی ویژگی‌های فنی، تجاری و دینی را همزمان دارا بود. و در زمانی که کاموش حماسه خود را بعد از سپری شدن حدود یک قرن و نیم از آغاز اکتشافات دریایی در قالب متنی که در همان زمان هم کاملاً مدرن بود سرود، این قرون وسطی-گرایی هنوز بر تصویر او از دنیا مستولی بود.

هدف دریانوردان پرتغالی برابر با جهاد بود. صلیبی که بر بالای کاراول‌های آنان خودنمایی می‌کرد، مفهومی فراتر از یک نماد داشت. در آن دوره، از دیدگاهی حقیقتاً مدرن و بورژوازی مانند دیدگاه ژنوی‌ها و ونیزی‌ها، این امر مانعی برای ایجاد ارتباط با مردمی که فرهنگ و مذهب دیگری داشتند تلقی می‌شد. ولی سفرهای اکتشافی پرتغالی‌ها در قرن پانزدهم به ابتکار مؤسسه‌ای مذهبی و نظامی و حتی جنگی شروع شد و بعدها با سرمایه‌گذاری سلطنتی اهداف آن «دنیوی» گردید. اگر چنین کلمه‌ای در پرتغال آن زمان معنایی داشت. با وجود این جنبه مذهبی در این اکتشافات همیشه نمایان بود و این عاملی است که آنها را به بخشی فوق‌العاده پیچیده در تاریخ فرهنگی غرب مبدل کرده است. هیچ‌کس بهتر از کاموش این پیچیدگی را درک نکرد. او از این اکتشافات به عنوان ماجراجویی غیرعادی روح بشری، شتابی اعجاب‌انگیز در شناخت ما از جهان و اسرار آن - و یا به عبارتی دیگر چالشی که انسان در برابر خدایان به عهده گرفته بود - و به عنوان جهاد مسیحیان، دارندگان دینی که در آن زمان در دیگر نقاط اروپا مورد اهانت قرار گرفته بود، تجلیل کرد.



تصویری تخیلی از کاموش که از نسخه فرانسوی لوزیاد که در سال ۱۸۱۷ در پاریس انتشار یافته است و تصاویری از آثار هنرمندان اروپایی دارد، برداشته شده است.

اسپانیایی و دیگر ملل اروپایی بین اوایل قرن پانزدهم تا سفر ماژلان، از آن گذر کردند آغراق‌آمیز باشد، اما به نحوی بارز تفاوت مابین سفرهای عهد باستان و دوره جدید را نشان می‌دهد. در دهه اول قرن شانزدهم، غربی‌ها گواهی غیرقابل انکار دایر بر کروی بودن زمین پیدا کردند و به نقل از بیتی از لوزیاد - «با دانشی که همه چیز را مدیون تجربه است...» دریایی را که از ژاپن و گرین‌لند تا سرزمین فوگو گسترده شده بود، شناسائی کردند.

این دانش حاصل پویشی متفرق ولی نظام یافته به مدتی بیش از یک قرن بود و دستاورد کوچک اولیه آن شناخت مقدماتی اقیانوس اطلس جنوبی و تمامی

اکتشافات دریایی غرب در قرون پانزده و شانزده میلادی به رهبری پرتغالی‌ها، اوج مسافرت‌های اکتشافی آغاز شده از دوران باستان بود. این مسافرت‌ها محدوده ماجراجویی ایجاد شده به دست فینیقی‌ها در دروان باستان بر دریاها را توسعه داد. دایره اکتشافات مدرن به نحوی نمادین در سال ۱۵۲۰ بدست ماژلان، دریانورد پرتغالی که برای اسپانیا خدمت می‌کرد، بهم رسید و بسته شد. بعد از او دوره‌ای از اکتشافات منظم و علمی، از آن نوع که فرناندو پزوا، شاعر قرن بیستم آنرا «دریای بی‌انتهای» ماره نوستروم رومیها در مقیاسی جهانی، خواند آغاز شد. ممکن است چنین تصویری درباره مسیری که دریانوردان پرتغالی، ایتالیایی،



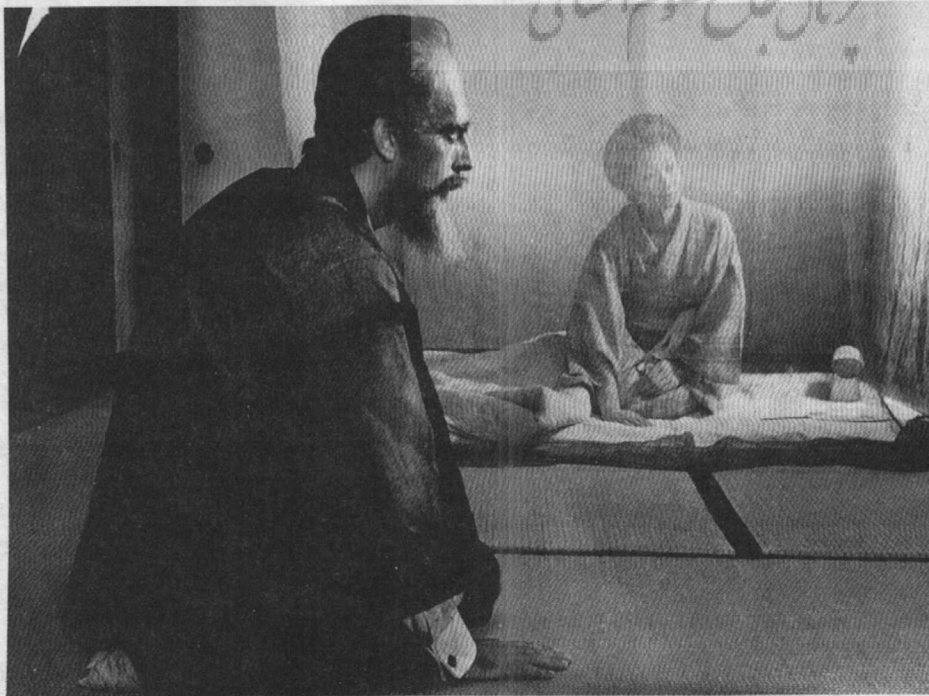
اعتقادشان در معرض خطر قرار گرفته است. لوزیاد، علی‌رغم این اروپا محوری غیر قابل اجتناب و به سبب انگیزه جهانی‌گرایی، نیروی اخلاقی و نحوه برخورد با تمامی تجربه‌های جسمی و روحی انسان، خیلی برتر از مداحی برای اکتشافات پرتغال به عنوان فصلی از تاریخ آن ملت است. حتی برتر از سرودی باشکوه برای لحظه‌ای پر عظمت در سرنوشت پرتغال است. لوزیاد حماسه حرکت اروپائیان به سوی سواحلی جدید و به سوی امکاناتی بی‌انتها در فضا و زمان است.

حماسه‌ای از عشق می‌گردد که در آن جسم و جان درهم می‌آمیزد و ماجراجویی قهرمانانه مبارزه انسان با عناصر متخاصم در این جزیره، که رؤیایی از بهشت است و در آن خشونت و بیرحمی جنگ، رنگ عشق، رنگ اتحادی جدید بین مردم را بخود می‌گیرد، به صورتی مجازی پایان می‌یابد.

البته در شعر او تعصبات غربی وجود دارد. این شعر متعلق به دوره‌ای است که مبارزه مذهبی شدت گرفته است چون غربی‌ها احساس می‌کنند

ادواردو لورنسو مقاله‌نویس پرتغالی و ناقد ادبی، برنده جایزه اروپایی مقاله‌نویسی - که هر ساله توسط بنیاد چارلز وی‌یون لوزان اهدا می‌شود - در سال ۱۹۸۸ است. در چند دانشگاه اروپایی تدریس کرده و از ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۸ استاد ادبیات دانشگاه نیس فرانسه بوده است. بین آثار منتشر شده او بررسی‌هایی چند درباره فرناندو پزوا شاعر پرتغالی، نیز دیده می‌شود.

عکس بالای صفحه، تصویری از چاپ فرانسوی لوزیاد در ۱۸۱۷. این تصویر صحنه‌ای را که در اواخر شعر توصیف شده است، یعنی رسیدن واسکودوگاما و همزاهانش را به «جزیره عشق» نشان می‌دهد. در عکس پس‌انین صحنه‌ای از فیلم در جزیره عشق (۱۹۸۲) را که از همان شعر الهام گرفته و کارگردان پرتغالی بائولو روشا آن را کارگردانی کرده است، مشاهده می‌کنید.



لوزیاد، شعری بی‌نظیر در فرهنگ پرتغال و اروپا، همیشه تحسین و شگفتی افرادی متفاوت چون سروانتس و ازرا پاوند را برانگیخته است. لوزیاد در زمان تحول یک قرن نوشته شده است. زمینه آن پایان دوره رنسانس است - شامگاه عصری پر از انرژی و احساس و در عین حال پگاه عصر باروک، با بازیهای نامفهوم گرگ و میش شب و روز. کاموش مدرنسم متهورانه پوش‌های دریایی هموطنان خود را با جاذبه الگوهای فرهنگ باستان درهم می‌آمیزد. ولی این جاذبه انفعالی نیست و در حقیقت خصیصه‌ای مبارزه‌جو دارد. لوزیاد از نظر کلامی و مفهومی بر تقاطعی در مسیر تاریخ قرار گرفته - یعنی زمانی که غرب و مخصوصاً شبه جزیره ایبری بین قرار گرفتن در جریان موقعیت تاریخی جدید که اکتشافات خود نشانه آن بودند - و عزلت‌گزینی در پس اعتقادات مذهبی و اخلاقی که با زیر و بم‌های مادی و مفهومی رنسانس به خود لرزیده بود، مردد بود.

کاموش بیش از هر چیز بر جنبه‌های سلخسوری اکتشافات پرتغالی‌ها تکیه می‌کند. ولی این سلخسوری برخلاف آنچه که شاعر ایتالیایی آریوستو (۱۴۷۲ - ۱۵۳۳) توصیف می‌کند بیش از رؤیایی بودن، حقیقی است. او آشفته‌گی اخلاقی را - که ارمغان کشورگشایی‌ها در ابتدای کار بود، جاه‌طلبی افسار گسیخته، فساد و استفاده نادرست از قدرت را - که خود نتایج آن را در مشرق زمین مشاهده کرده بود، نمی‌پذیرد.

مهم‌تر از هر چیز دیگری - خصیصه‌ای که شعر حماسی ملی را به سطح اسطوره‌ای جهانی ارتقاء می‌دهد - او به تبدیل سفرهای پوشی پرتغالی‌ها به داستانی قهرمانی در تاریخ اکتشافات کره زمین راضی نمی‌شود و آنها را به نوعی سرود مذهبی برای «اروس» تبدیل می‌کند، روایتی موافق مکتب طبیعین و در عین حال افلاطونی جدید از «پسروزی عشق جهانی» پترارک شاعر بزرگ ایتالیا، که در آن پرتغالی‌ها، به عبارتی، نقش آرگونوت‌ها را بازی می‌کنند. موضوع محبوب پترارک، که تصویری معنوی است، در دست کاموش خدایی می‌شود و ارتباط و هماهنگی بین زمین و آسمان و بین ابناء بشر که تا به اینجا در اثر فاصله، نژاد و تعصب اشتقاق یافته بودند بوجود می‌آید. در جشنی که به مناسبت بزرگداشت کارهای عظیم ملاحان واسکودوگاما برپا می‌شود همه طبیعت شرکت می‌کند. در فصل «جزیره عشق» آنچه که بصورت سرود شادی ملی آغاز می‌شود، تبدیل به